

الدرس الأول(ص.۱) / الدين و التدين / دين و دين دارى

"بايكتا پرستى به دين روى آور و هرگز از مشركان نباش."

دين دارى در انسان، ذاتيست. تاريخ به ما مى گويد: هيچ مردمى از مردمان زمين نيست مگر اين كه دين و روشى براى عبادت داشته باشد.

آثار قديمى كه انسان آن هارا كشف كرد و تمدن هاى كه از بين كتيبه ها و كنده كارى ها(نگاره ها) نقاشى ها و پيكره ها(تنديس ها) شناخت، تاكيد بر توجه انسان به دين دارد و دلالت دارد كه آن در وجودش ذاتيست؛ اما عبادت ها و مراسم خرافى بودند؛ مانند چندين گانگى خدايان و پيشكش كردن قربانى ها به آن ها براى به دست آوردن خوشنوديشان و دورى از گزندشان . و به مرور زمان اين خرافات در دين هاى مردم زياد شد. اما خداوند كه پاك و بلندمرتبه است مردم رابه اين حال رها نكرد ؛ مسلماً در كتاب شريفش فرمود(گفت):
"آيا انسان گمان مى كند كه بيهوده و پوچ رها مى شود؟"

به همين خاطر پيامبران رابه سوى آن ها فرستاد تا راه راست و دين حق را روشن سازند.

قرآن كريم در مورد سرگذشت پيامبران(ع) و مبارزه ي آن ها با گروه هاى كافرشان باما سخن گفته است . به عنوان مثال حضرت ابراهيم خليل عليه السلام را بايد ذكر كنيم كه تلاش كرد تا قومش را از پرستش بت ها نجات دهد . دريكي از عيدها وقتى قومش از شهرشان خارج شدند، حضرت ابراهيم عليه السلام تنها ماند ، سپس تبرى برداشت و به جز بت بزرگ تمام بت ها را در عبادتگاه شكست، سپس تير را بردوشش(دوش بت بزرگ) آويزان كرد و عبادتگاه را ترك كرد .

وقتى كه مردم برگشتند، بت هايشان را شكسته(شكسته شده)ديدند و گمان كردند كه حضرت ابراهيم(ع) همان انجام دهنده است، پس او را براى محاكمه حاضر كردند و از او پرسيدند: "اى ابراهيم، آيا تو اين رابا خدايانمان انجام دادى؟" به آن ها پاسخ داد: چرا از من سؤال مى كنيد ؟ از بت بزرگ بپرسيد .

مردم شروع به پيچ كردند: "بت قطعاً سخن نمى گويد؛ ابراهيم فقط قصد دارد كه بت هايمان را مسخره كند(قصد مسخره كردن بت هاى مارا دارد.)" و اين جا "گفتند او را بسوزانيد و خدايانتان را يارى كنيد."

پس او را در آتش انداختند و خدا او را از آن(آتش) نجات داد .